



عروسک‌بافی کار زنان ماسوله

بررسی صنایع دستی استان گیلان

و نقش آن در وضعیت

اقتصادی مردم

فاطمه عاشوری

کارشناس ارشد جغرافیا

مقدمه

آنچه که امروز در کشورمان به نام صنایع دستی می‌شناسیم درخت تناوری است که ریشه در اعماق تاریک تاریخ دارد و بسیاری از رشته‌های آن عمری به قدمت حضور بشر بر این کره خاکی دارند که طی قرون و اعصار متعددی با توجه به نیازها و بهره‌گیری از هوش و توانمندی انسان و استفاده از امکانات پیرامون وی تدریجاً شکل گرفته و تکامل یافته‌اند. تولید صنایع دستی مختص کشورهای جهان سوم و فقیر یا پرجمعیت نیست. ماهیت این هنرها به صورتی است که هر جامعه‌ای از دیدگاه خاص خود به آن می‌نگرد.

در کشورهای فقیر و پرجمعیت که دارای نیروی کار فراوان و ارزان هستند این تولیدات را به عنوان صنایع کارطلب و مقرون به صرفه حلال بسیاری از مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌دانند و در کشورهای پیشرفته هم در کنار صنایع فوق مدرن تولیدات صنایع و هنرهای دستی و حتی مصرف آنها مداوای بسیاری از بیماریهای روحی و روانی شناخته

می‌شوند و به جهت پیوستگی که با سرشت انسانها دارد در خلوت خانه‌ها و آسایشگاهها تسکین دهنده دردها و آلام انسانهای امروزی هستند. کشور ما به علت وسعت خاک، تنوع اقلیمها و تاریخ، فرهنگ و تمدن گرانقدر و سکونت انسانهای هوشمند و زیرک از کلیه عوامل و فاکتورهای مناسب مزینهای نسبی لازم برخوردار می‌باشد به نحوی که به همراه کشورهای چین و هند سه رأس مثلث جهانی صنایع دستی را تشکیل می‌دهد و به اعتراف کارشناسان و دست اندرکاران از لحاظ تنوع و گوناگونی تولیدات در جهان مقام نخست را در میدانهای صنایع دستی حائز است. (طلوع بهبود ۱۳۷۵)

هنرهای سنتی ایران هنرهای اصیل مردمی هستند که از فطرت پاک مردم نشأت می‌گیرند. این هنرها از دیرباز در تمامی شئون زندگی مردم رسوخ کرده و به صورت جزئی تفکیک‌ناپذیر درآمده‌اند.

رحل قرآن - منبر مسجد - تنگ گلاب و فرش که به عنوان زیرانداز به کار می‌رود، همه و همه نشان از پیوند همیشگی هنر و آیین - آداب و زندگی مردم دارد. (آفرینش - ۱۳۸۲)

نیز تالشی‌ها می‌باشد.

از مشخصات ویژه این اثر استفاده از تصاویر رنگی بسیار زیبا از انواع گلیم در صفحات متعدد آن می‌باشد. مروری بر صنایع دستی ایران عنوان کار دیگری است که توسط م. حسین بیگی در سال ۱۳۶۵ انجام شده است. در این اثر صنایع دستی کل کشور بررسی شده، تصاویر سیاه و سفید زیادی نیز بکاررفته که مراحل ساخت و آماده کردن صنایع دستی مختلف در نقاط مختلف کشور را نشان می‌دهد.

حسین یآوری در سال ۱۳۶۵ در کاری با عنوان "صنایع دستی و امکانات بالقوه آن" به توصیف صنایع دستی پرداخته و دلایلی ذکر کرده که با توجه به آن باید صنایع دستی کشور مورد توجه و حمایت قرارگیرد. گزارش فرهنگی کشور "عنوان کاری است که معاونت پژوهشی - آموزشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۳۷۷ انجام داده است که به صورت جداول آماری وضعیت صنایع دستی - معماری و هنر - کتابخانه‌ها و... را در کل کشور بررسی نموده است.

در نمونه دیگری با عنوان "گیلان و آذربایجان شرقی" نوشته مارسل بازن و کریستیان برمبرژه در سال ۱۳۶۵ در مورد گیلان و صنایع دستی رایج آن و همچنین مذهب و زبان مردم آن و آذربایجان شرقی تحقیق نموده‌اند. روش کار آنها توصیفی بوده، تصاویر نقاشی شده‌ای از ابزار و آلات مورد استفاده در هر یک از هنرهای دستی گیلان آورده‌اند و آمار و ارقامی در این زمینه در کارشان دیده نمی‌شود.

وزارت اقتصاد در سال ۱۳۵۲ کاری با عنوان "بررسی وضع صنایع دستی استان گیلان" منتشر کرده است. در این کار به توصیف صنایع دستی استان پرداخته شده است.

ابراهیم اصلاح عربانی در سال ۱۳۷۴ با کمک گروهی از پژوهشگران ایران "کتاب گیلان" را در ۳ جلد منتشر کرده است. در قسمتی از این اثر (جلد ۳) در مورد صنایع دستی استان بحث شده که همراه با تصاویر متنوع از این هنرها می‌باشد. روش کار در این اثر آماری - نقشه‌ای - تصویری بوده است.



سفالگری هنرمندان گیلان



گلیم بافی شده هنرمندان گیلان

استان گیلان به دلیل اقلیم و شرایط آب و هوایی مناسب، وجود نیروی انسانی ماهر و با ذوق، وجود روحیه تلاش و کار، داشتن سابقه کهن تاریخی و فرهنگ و تمدن غنی، وجود مواد اولیه بسیاری از تولیدات، امکان روی آوری به صنایع دستی و هنری را داشته و دارد. گیلان با وجود داشتن امکانات توریستی و سیاحتی و وسایل دست‌ساز زیبایی که توجه رهگذران را به خود جلب می‌کند کمتر مطالبی در این زمینه را به خود اختصاص داده است.

در این راستا نبودن نشریه‌ای مربوط به صنایع دستی و بالاخص صنایع دستی گیلان مزید بر علت می‌باشد. بسیار ناگوار است در مورد استانی با این سرسبزی و مردمی با ذوق و هنرمند اطلاعات لازم در دسترس مردم قرار نگیرد.

هرچند که اخیراً در بعضی از نمایشگاهها و جشنواره‌ها که تحت سرپرستی جهاد و مدیریت صنایع دستی برگزار می‌شود توانمندیهای استان به معرض تماشا می‌رود، اما عمده‌گذاشته می‌شود. براین اساس در این مقاله اهداف زیر دنبال خواهد شد.

- ۱- معرفی و بررسی صنایع دستی استان گیلان
- ۲- نقش این صنایع در اقتصاد مردم
- ۳- بررسی اختلاف اماکن شهری و روستایی از نظر پرداختن به این هنرها

سابقه تحقیق

منابع موجود در رابطه با صنایع دستی به دو دسته تقسیم می‌شوند. یک دسته آنهایی که مربوط به ایران است و دسته دوم آنهایی که بطور اخص در مورد استان گیلان نوشته شده‌اند.

در مورد دسته اول کاری است با عنوان "تاریخچه، طرح - بافت و شناسایی گلیم" نوشته آسترهال و خوزه لوچیک و بیوسکا (۱۳۷۷) که به توصیف انواع گلیم و محل بافت آن در نقاط مختلف جهان از جمله ایران پرداخته‌اند. گلیم‌های مربوط به ایران از ایل قشقایی - پختیاری - کردها و

روش تحقیق

برای دستیابی به اهداف تحقیق فرضیه زیرارائه شد.

“در اوقات فراغت از کار کشاورزی مردم به صنایع دستی روی می آورند.”
برای بررسی این فرضیه ابتدا با مطالعه کتاب سه جلدی گیلان (۱۳۷۴) نوشته ابراهیم اصلاح عربانی نشر گروه پژوهشگران ایران و سپس مطالعه گزارشی با عنوان “بررسی وضع صنایع دستی استان گیلان” (۱۳۵۲) شماره ۱۳۹ نشر وزارت اقتصاد اطلاعات اولیه در این زمینه اخذ شد. همچنین اطلاعاتی از طریق بررسی گزارش فرهنگی کشور (۱۳۷۷) نشر معاونت پژوهشی و آموزشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به دست آمد.
در مرحله بعد با انجام بازدید از شهرستانهایی که از مراکز صنایع دستی استان محسوب می شوند و مصاحبه با مسئولان و صاحبان کارگاههای مزبور و تهیه تصاویری از صنایع دستی اطلاعات مفیدی در این زمینه بدست آمد.

معرفی منطقه مورد مطالعه

استان گیلان یکی از استانهای شمالی کشور با مساحت ۱۲۷۱۱ کیلومتر مربع می باشد. این استان در ۳۶ درجه و ۳۴ دقیقه تا ۳۸ درجه و ۲۷ دقیقه عرض شمالی و ۴۸ درجه و ۵۳ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۳۴ دقیقه طول شرقی از نصف النهار مبدأ قرار گرفته است.

درازای آن از شمال غربی به جنوب شرقی ۲۳۵ کیلومتر و پهنای آن از ۲۵ تا ۱۰۵ کیلومتر متغیر است. رشته کوههای البرز با ارتفاع متوسط ۳۰۰۰ متر همانند دیواری در باخت و جنوب گیلان کشیده شده و این منطقه جز از راه منجیل (دره منجیل) راه شوسه دیگری به فلات ایران ندارد. کمترین فاصله کوه از دریای خزر (در حویق) نزدیک به ۳ کیلومتر و بیشترین فاصله آن از دریای (مام زاده هاشم) حدود ۵۰ کیلومتر است. این استان از شمال به دریای خزر و کشورهای مستقل آذربایجان، از غرب به استان اردبیل، از جنوب به استان زنجان و قزوین، از شرق به استان مازندران محدود می گردد. براساس آخرین تقسیمات کشوری تا پایان سال ۱۳۷۹ گیلان دارای ۲۵ شهر - ۴ بخش - ۱۰۶ دهستان - ۲۸۹۲ آبادی (۲۶۹۰ آبادی دارای سکنه و ۲۰۲ آبادی خالی از سکنه) است. (معاونت آمار و انفورماتیک - ۱۳۷۹)



کیف و جای سیگاری چرمی ساخته شده در ماسوله



کمربندهای چرمی ساخته شده در ماسوله

بررسی صنایع دستی استان گیلان و نقش آن در وضعیت اقتصادی مردم

صنایع دستی به آن گروه از صنایع اطلاق می شود که تمام یا قسمت اعظم مراحل ساخت و فرآورده های آن با دست انجام گرفته و در چارچوب فرهنگ و پیش های فلسفی و ذوق و هنر انسانهای هر منطقه با توجه به دیدگاههای قومی آنان ساخته و پرداخته می شود. (م. حسن بیگی، ۱۳۶۵)

تحقیقات باستان شناسی نشان می دهد که در سواحل دریای خزر از جمله گیلان و عصر حجر میانی کشت و زرع و دامداری وجود داشته و ساکنین این نقاط با ساخت انواع مختلفی از ابزار و وسایل کشاورزی و بافت تن پوشی هایی از پشم گوسفندان و تهیه نوعی سفال کم پخت و ناهموار آشنایی داشته اند. پس از سنگ تراشی قدیمی ترین صنعتی که انسان با آن آشنایی حاصل کرده سیدبافی و حصیربافی است. این صنعت منشأ بسیاری از صنایع دستی دیگر از جمله پارچه بافی، گلیم بافی، بامبو بافی، سفال گری، کوزه گری است. (اصلاح عربانی - ۱۳۷۴)

صنایع دستی رایج در استان گیلان عبارتند از: مروارید بافی - قلاب دوزی - بامبو بافی - حصیربافی - سفال گری - شال بافی - گلیم، گبه، فرش - چوبکاری - چموش دوزی - صنایع فلزی - عروسک بافی و جوراب بافی.

قلابدوزی

قلابدوزی عبارت از رودوزی و تریسیم نقوشی توسط نخ های ابریشمی بر روی ماهوت است. این کار توسط وسیله ای به نام قلاب انجام می شود تا دهمه دهه پیش شهر رشت با دارا بودن کارگاههای متعدد قلابدوزی و استادان ماهر بزرگترین مرکز صنعت قلابدوزی ایران محسوب می شد ولی در سالهای آخر کارگاههای قلابدوزی یکی پس از دیگری تعطیل شد و استادان ماهر این رشته دست از کار کشیدند. اکنون در شهر رشت تعداد انگشت شماری کارگاه قلابدوزی وجود دارد و در گوشه و کنار گیلان نیز برخی از زنان گاه و بیگاه به تضمین نقشی بر روی پارچه می اندازند. در حال حاضر این هنر در آموزشگاه گویا واقع در شهر رشت آموزش داده می شود.

بامبو بافی

بامبو یعنی نی خیزان در سرزمین ساحلی به دلیل رطوبت فراوان - آب و هوای مساعد - کیفیت خاک در زمینه مساعدی کشت می شود در دنیا ۶۶۲ نوع مختلف این گیاه شناخته شده است. در ایران در لیاستان لاهیجان - سیاهکل - علی آباد (در فاصله سخت سروتنکابن) - قاسم آباد رودسر کشت می شود. بامبو گیاهی خودرودست ولی چون محصول خودروکافی نیست توسط روستائیان کشت می شود. نی خیزان را بعد از خشک شدن به اندازه های مورد نیاز می برند سپس بسندهای، مفصلی و دیافراگم آنرا با کارد مخصوص صاف کرده، برجستگی ها و لبه های تیز را از بین می برند و به وسیله کارد از طول آنرا برش می دهند و در آب می خیسانند و آنرا نرم کرده به پهنای مورد نظر درمی آورند. و ضخامت آنرا نیز به اندازه ضخامت زهار مورد نیاز کالایی که می باید تولید شود می رسانند. بدین ترتیب بامبو آماده بافتن می شود محصولات متنوعی از قبیل ظرفهای مختلف - کلاهک چراغها - میز و صندلی از بامبو به دست می آید و به بازارهای کشور عرضه می شود. (اصلاح عربانی - ۱۳۷۴)

حصیر بافی

حصیر بافی فعالیت زبانه است که در تابستان یا پاییز انجام می شود. دستگاه به کار رفته بسیار ساده است. تارها به وسیله دوچوب که به میخ های فرورفته در زمین متصل شده کشیده می شود. پودها با دست از لای تارها رد شده توسط یک شانه چوبی به نام پلو یا شونه متصل به دستگاه به شدت به همدیگر فشرده می شود بافته برای کارکردن روی قسمتی از حصیر بافته شده می نشیند و زیر این قسمت ستونهای قطوری را نیز قرار می دهند تا بر اثر وزن بافته دستگاه نیفتد. (مارسل بازن - ۱۳۶۵) بنابه گفته خانم زهرا کله سری مسئول تعاونی حصیر بافان شهرستان زیباکنار، در پشت زمین نیزاز مرداب است. در فصل بهار لیلی ها (تاروپود حصیر بافی) رشد می کنند در اول تابستان درو می شوند کار بافتن شروع شده تا آخر اسفند کار حصیر بافی تمام می شود و دوباره در بهار مردم به کشاورزی مشغول هستند و در اول تابستان کار کشاورزی تمام شده کار حصیر بافی شروع می شود. بافت حصیر یا انگشتان و سوزن مخصوص انجام می شود.



خرابی (چوبکاری) کار هنرمندان رشت

نمد مالی

نمد که از پشم یا کرک مالیده بدست می آید. مصارف مختلفی از قبیل فرش - کلاه و... دارد. مهمترین علت توجه مردم گیلان به نمد نفوذناپذیری آن در برابر رطوبت است.

روستائیان و جنگل نشینان و دامداران گیلان از نمد بااپوش تهیه می کنند که برای محفوظ ماندن از باران و سرما آنرا بدوش می افکنند این بااپوش شولا یا کپنک نامیده می شود و در برخی نقاط به دوشی معروف است. در گیلان نمد به اندازه های مختلف و اشکال بیضی - گرد - مستطیل و غالباً با کیفیت مرغوب تهیه می شود و تعدادی از نمدها پرک دار هستند یعنی دارای تکه های اضافی می باشند به عبارت دیگر قطعات کوچکی از نمد برای تزئین بر نقش آن اضافه شده است. در گیلان تعداد ۱۱۸ روستا کارگاههای تهیه نمد - زیلو - جاجیم دارند این روستاها در شهرهای آستارا - رشت - رودبار - فومن - لنگرود - تالش قرار دارند. (اصلاح عربانی - ۱۳۷۴)

مروار بافی

مروار بافی عبارت از بافت اشیاء و وسایل مختلف با استفاده از ساقه های تازه گیاهان یا ترکه است. مواد اولیه مروار از چوب ترکه ای به نام مروار از خانواده بید است. یکی از مروار کشت مروار در شهرستان آستانه اشرفیه آقای محمود شعبانی صاحب مروار بافی گیل است وی کلاسهایی نیز در این شهرستان جهت آموزش این هنر دایر کرده، این هنر را در جایگاه صنایع دستی قرار داده است. زمان کشت آن نیمه اسفند است. در سال اول محصول بسیار ضعیف و سال دوم قوی تر و سال سوم آماده بهره برداری است. اواخر آبان محصول برداشت می شود. بافته ها معمولاً روستائیان هستند که آموزش دیده اند و عده ای که به طور دائمی آنرا انجام می دهند. محصولات تولیدی آنها بسیار متنوع است از قبیل ظروف میوه - لوسترو... این محصولات مورد استقبال مردم سراسر کشور بوده، به کشورهای حوزه خلیج فارس - عربستان - آذربایجان شوروی - گرجستان - چین، ترکیه و به مقدار کمتر به اروپا صادر می شود.



چموش دوخته شده در ماسوله (کارگاه آقای فریا)



باموبافی (سبدهای متعدد در اندازه‌های مختلف)

مواد اولیه توسط زنان روستایی به وسیله دستگامی به نام شانه که عبارت از یک شانه فلزی نصب شده روی یک قطعه چوب می‌باشد و همچنین با استفاده از دوک نخ ریسی رسیده و آماده می‌شود پس از بافت پارچه را در آب داغ فرو برده و پس از قرار دادن روی یک سنگ صاف شروع به پا زدن آن می‌کنند و در بعضی موارد با چوب روی آن می‌کوبند تا الیاف پشم از هم باز شده و پارچه تقریباً حالت نمد به خود بگیرد. (وزارت اقتصاد- ۱۳۵۲)

گلیم و گبه و فرش

گلیم در تالش که منطقه‌ای کوهستانی و رو به سواحل غربی خزر است و مابین آستارا و رشت قرار گرفته رواج دارد. تالشی‌ها اکثراً ترک نژادند و تأثیر دست بافته‌های قفقاز در گلیم‌های آنها مشاهده می‌شود. گلیم‌های آنها به خاطر بافتهای چاک دار و روشن و شاد و نگاره‌های تزئینی کنگره‌دار و لوزی شکل شهرت بسیار دارد.

حاشیه‌ها باریک و با طرح‌ها یا نگاره‌های متصل جفت قلاب تزئین می‌شود. تارها از پشم قهوه‌ای خود رنگ و ریشه‌ها گیسب بافت یا گره‌دار ساده است. (آلسترهال و جوزه لوچیک و یوسکا ۱۳۷۷) در حال حاضر در آموزشگاه گویا، در رشته بافت گبه، گلیم، خرسک آموزش داده می‌شود. دوره آموزش ۳ ماهه و تعداد هنرجویان هر دوره ۸ الی ۱۸ نفر است و سازمان مدیریت صنایع دستی موارد را به طور رایگان در اختیار هنرجویان قرار می‌دهد. در بعضی از مکانها مثل شهرستان صومعه سرا آموزشگاههایی برای قالی بافی دایر شده که هنرجویان در ایام فراغت از کار کشاورزی به بافت قالی در این مراکز می‌بردارند.

چوبکاری

مهمترین مواد اولیه مورد احتیاج در این صنعت، چوب مخصوص از انواع چوب افرا (باسکوم) و چوب گردو است. چوبهای دیگر از قبیل چوب زون (میرآغاجی) - انجیر (تونی) - فیخ - ممرز - زیتون - ملج به ندرت استفاده می‌شود.

دار حصیربافی به صورت افقی روی زمین قرار می‌گیرد و بافنده روی قسمتی از حصیربافی شده می‌نشیند. محصولات را به صورت کلی به بازار می‌دهند و نیز به کشورهای کویت و روسیه نیز صادر می‌شود.

سفالگری

سفالهایی که امروزه در گیلان ساخته می‌شود به دو گروه تقسیم می‌شود. اول سفالهایی که به عنوان وسایل ضروری زندگی مورد استفاده مردم قرار می‌گیرد مانند سفالهای ناودانی که برای پوشش بام منازل و انواع ظروف مورد نیاز خانه‌ها از قبیل گمج (نوعی دیگ)، گلدان - خمره - کوزه - نمکدان. دوم سفالینه‌هایی که جنبه تزئینی دارند و در ساختن آن ذوق و استعداد هنری به کار می‌رود این دسته در شمار صنایع دستی قرار دارد.

از ویژگیهای سفال گیلان بدون لعاب بودن آن است (اصلاح عربانی - ۱۳۷۴) بنابه گفته آقای بهزاد اژدری صاحب کارگاه سفالگری شهرستان سیاهکل در هر دوره ۹ نفر هنرجو پذیرفته می‌شود که بعد از ۲ ماه آموزش ابتدایی وارد پروسه تولید می‌شوند. پروسه تولید شامل آماده کردن مواد - تهیه دوغ آب از آن - ساخت قالبهای گچی - صاف کردن مواد - پرکردن قالبها از دوغ آب و تهیه بدنه اصلی از دوغ آب کائولن می‌باشد. بعد از آماده شدن سفالها به قسمت تزئینات هنری می‌رود که خانهاها با رنگهای سرامیکی که جنس آن از نوع آلی نیست و باید با بدنه پخته شود روی آن نقاشی می‌کنند بعد از پایان جهت پخت داخل کوره نفت سوز سنتی چیده می‌شود و ۷۲ ساعت بعد برای بسته بندی و ارائه به بازار آماده می‌شود. مواد اولیه سفالگری از شاهرود تهیه می‌شود. سفالهای تولید شده به سراسر کشور توزیع و نیز به کشورهای اروپایی صادر می‌شود.

شال بافی

نوعی پارچه پشمی دستیاف است که در خود گیلان به مصرف پوشاک زمستانی اهالی می‌رسد و برای دوختن کت و پالتو پارچه بسیار مناسبی است. شال بافی در روستای آلانگ سیاهکل و بهترین آن در شفت و سیاه مزگی در ۲۰ کیلومتری رشت و در روستاهای گنزر و شلما شهرستان ماسال معمول است.



کلاه‌های حصیری بافته شده در گیلان



مرواریدی از صنایع دستی گیلان

چوب گردو جهت ساختن سرویسهای سالادخوری و شکلات خوری و توئی و زیتون بیشتر در تهیه عصا و لوازم تزئینی از قبیل دستبند و گردن بند و جاکلیدی و غیره مصرف می شود.

مهمترین مرکز چوبکاری و خراطی شهر رشت می باشد که فرآورده های آن تنوع زیادی داشته و شامل سرویس سالادخوری - انواع گلدان - انواع شکلات خوری نقاشی شده ساده - زیرسیگاری - قندان - نمکدان - ظرف خردل - قاشق با دسته گره دار و ساده - عصا - انواع شانه های چوبی - گردنبند - گوشواره - دستبند - کمر بند - جاکلیدی می باشد. رونق فروش این محصولات در فصل تابستان و تعطیلات عید نوروز به دلیل موقعیت خاص توریستی این منطقه به حداکثر می رسد. (وزارت اقتصاد ۱۳۵۲)

چموش دوزی

چموش یا چاروق پای افزاری است بسیار قدیمی که شاید عمر آن به چند هزار سال برسد. این پای افزار در انواع مختلف از چرم تهیه می شود و عموماً بدون پاشنه است. نوع متداول آن دارای پنجا و تسمه های بلند است که به ساق یا پیچیده می شود. نوع دیگر آن بدون تسمه و بند است ولی مانند نوع بنددار نوک عقابی و برگشته است.

در گذشته روستائیان و دامداران و کشاورزان از چموش استفاده می کردند ولی با رواج کفشهای ماشینی و انواع پای افزارهای لاستیکی و پارچه ای استفاده از چموش متروک شده و صنعت چموش دوزی نیز رو به زوال است. (اصلاح عربانی - ۱۳۷۴)

بنابه گفته آقای مجیدفریانه که در ماسوله کارگاه چموش دوزی دارد تنها ۲ نفر در حال حاضر به این کار مشغولند. در سراسر گیلان نیز بیش از ۲ کارگاه چموش دوزی وجود ندارد و چموش هایی که توسط آنها تهیه می شود بیشتر جنبه تزئینی داشته و کمتر به عنوان پای افزار مورد استفاده قرار می گیرد.

نتیجه

استان گیلان با وجود وسعت محدود خاک به دلیل شرایط آب و هوایی مناسب و نیروی انسانی با ذوق و ماهر - وجود مواد اولیه بسیاری از تولیدات، امکان دسترسی آسان به بازارهای داخلی و خارجی از طریق شبکه های مناسب راههای زمینی - هوایی - دریایی - ماهیت فصلی بودن تولیدات کشاورزی و امکان پر کردن اوقات فراغت روستائیان کشاورز و ایجاد درآمد مکمل در آن بخش - سیاحتی بودن استان و دهها عامل کوچک و بزرگ دیگر باعث شده که صنایع دستی گیلان تنوع بسیاری داشته باشد.

در این تحقیق صنایع دستی استان معرفی و بررسی شد. این صنایع ایجاد اشتغال نموده و برای مردم منطقه کسب درآمد می نماید. فرضیه ای که در ابتدا مطرح بود در این بررسی اثبات شد.

در مناطقی مثل رشت که کشاورزی در آن صورت نمی گیرد اشخاص علاقه مند به هنرهای قلاب دوزی - گبه - گلیم و قالی بافی و همچنین چوبکاری و خراطی و سفالگری روی می آورند و نیز در مناطق روستایی که کار کشاورزی صورت می گیرد اشخاص روستایی بعد از فراغت از کار

صنایع فلزی - عروسک بافی - جوراب بافی

صنایع فلزی در ماسوله دارای سابقه تاریخی زیادی است چون منابع اولیه آن در اطراف ماسوله و مخصوصاً منطقه گورن استخراج می شد استادان و صنعتگران انواع لوازم مورد نیاز آهنگری و کشاورزی و ادوات جنگی از جمله گلوله توپ و تفنگ های سرپر بسیار زیبا با نقوش و نوشته های برجسته بر بدنه تفنگ و شمشیرهای بسیار زیبا با کنده کاری و استحکام زیاد می ساختند.

از صنایع فلزی دیگر جاقق سازی است. (اخوان ماسوله - پی تا) جوراب بافی و عروسک بافی نیز در ماسوله رایج است که مخصوص زنان این منطقه می باشد آنها با کاموهای رنگی عروسکها و جورابهای متنوع و زیبایی می بافتند و در فضولی که توریست ها برای گردشگری به ماسوله می آیند به آنها می فروشند و از این طریق درآمدی کسب می کنند این توریست ها در فصل بهار و تابستان به آنجا آمده و از صنایع دستی آن دیدن کرده، خرید می کنند.

ماسوله رایج است که زندگی مردم بیشتر دآمداری است و تولید جرم در آنجا معمول است و مردم مناطق شهری به این کار علاقه ندارند.

متأسفانه اکثر مردم گیلان به هنرهای دستی خود آشنا نیستند و حتی بعضی از فروشندگان صنایع دستی معتقدند که استان گیلان صنعت سفال گری ندارد درحالی که سفالهای بسیار زیبا و با مواد اولیه مرغوب در سیاهکل تولید شده و به کشورهای فرانسه - آلمان و کشورهای حوزه خلیج فارس صادر می‌شود.



حصیربافی از صنایع دستی رایج استان

صنایع

- ۱- اصلاح عربانی، ابراهیم، ۱۳۷۴، کتاب گیلان، گروه پژوهشگران ایران، جلد اول، صص ۱۸۳-۷۶
- ۲- اصلاح عربانی، ابراهیم، ۱۳۷۴، کتاب گیلان، گروه پژوهشگران ایران، جلد دوم، صص ۵۰۷-۵۰۶
- ۳- اصلاح عربانی، ابراهیم، ۱۳۷۴، کتاب گیلان، گروه پژوهشگران ایران، جلد سوم، صص ۲۱۹-۲۹
- ۴- اخوان ماسوله، سعود، محمدجواد سهیل نقشی، (بدون تاریخ)، ماسوله سرزمین ستارگان، چاپ اول، نشر اخوان، صص ۱۵-۱۴
- ۵- بازن، مارسل، کریستیان برمبرژه، ۱۳۶۵، گیلان و آذربایجان شرقی، ترجمه مظفر امین فرشچیان، چاپ اول، انتشارات توس، صص ۱۴۹-۲۲.
- ۶- وزارت اقتصاد، ۱۳۵۲، بررسی وضع صنایع دستی استان گیلان، مرکز صنایع دستی، قسمت طرحها و بررسیها، گزارش شماره ۱۳۹، صص ۳۱-۵.
- ۷- حسن بیگی، م، ۱۳۶۵، مروری بر صنایع دستی ایران، چاپ اول، انتشارات ققنوس، صص ۲۰-۱۹.
- ۸- طلوع بهبود، اصغر، ۱۳۷۵، راهنمای سیاحت و زیارت در گیلان، چاپ اول، انتشارات پوینده، صص ۳۸۷-۳۸۵.
- ۹- هال الشتر، خزوه لوچیک و ویوسکا، ۱۳۷۷، تاریخچه - طرح - بافت و شناسایی گلیم، ترجمه شیرین همایون فرونیلو فرالفت شایگان، چاپ اول، نشر کارنگ، صص ۲۶۰-۲۵۹.
- ۱۰- معاونت آثار و انقور ماتیک، ۱۳۷۹، آمارنامه استان گیلان، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان، صص ۳۵-۲۷.
- ۱۱- یآوری، حسین، ۱۳۷۱، صنایع دستی و امکانات بالقوه آن، نشریه دستها و نقشها، شماره اول، صص ۱۴.
- ۱۲- روزنامه آفرینش، ۱۳۸۲/۱/۲۵، شناخت هنرهای سنتی ایران مقدمه‌ای بر شناخت هنر جهان، شماره ۱۶۰۵، سال ششم، صص ۷.

کشاورزی به صنایع دستی روی می‌آورند.

نمونه این کار، حصیربافی است که زنان روستایی وقتی کار کشاورزی پایان می‌یابد به بافتن حصیر مشغول می‌شوند و از این راه درآمدی کسب می‌کنند. از نظر رویکرد مردم به صنایع دستی در بعضی از رشته‌ها بین مراکز روستایی و شهری تفاوت وجود دارد مثل حصیربافی که مواد اولیه آن در مرداب‌های پشت شالیزار بدست می‌آید و مردم روستایی به جهت تهیه آسان مواد اولیه به این کار مشغولند. ولی هنری مثل سفال گری افراد چه در شهر و چه در روستا به این حرفه روی می‌آورند مثل آتلیه باروک در رشت که به هنرجویان آموزش می‌دهد ولی به دلیل نداشتن کوره تولید انبوه ندارد و در سیاهکل که جوانان دختر و پسر روستایی بعد از فراغت از کار کشاورزی به این هنر روی می‌آورند.

در مورد هنر مروارzbافی و قلاب دوزی نیز افراد علاقه‌مند چه کشاورز و چه غیرکشاورز به این حرفه روی می‌آورند. نمدعالی در روستاها رایج بوده و در شهر به دلیل کم بودن مواد اولیه و علاقه مردم به پارچه‌ها و الیاف مصنوعی و زندگی شهرنشینی، این هنر رواج ندارد. جموش دوزی در